وزارت علوم، تحقیقات و فنّاوری

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

طرح جامع اعتلا و سامان‌دهی علوم انسانی معطوف به پیشرفت کشور

عنوان کتاب

سرمایۀ انسانی اشتغال‌پذیری:

مبانی نظری و کاربردش برای رشتۀ ادبیات فارسی

مؤلف: یعقوب انتظاری

دانشیار مؤسسهٔ پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی

 **آدرس: تهران، بزرگراه کردستان، خیابان آیینه‌وند (64 غربی)، کدپستی 74681-14377**

**تلفن: 88614055 داخلی: 212 نشانی وب گاه:** <http://www.ihcs.ac.ir>

ویراستار صوری: زهره خرمایی

صفحه‌آرا:‌جابر شیخ‌محمدی

سخن پژوهشگاه

کتاب حاضر یکی از آثار برگرفته از طرح جامع اعتلای علوم‌انسانی معطوف به پیشرفت کشور است که اکنون به محضر ارباب معرفت تقدیم می‌گردد.

طرح جامع اعتلا مجموعه پروژه‌هایی به‌هم‌پیوسته و مسئله‎‎‌محور است که بر مبنای منشور پژوهشگاه در سال‌های اخیر مبنی بر درپیش‌گرفتن رهیافت بومی و کاربردی‌سازی علوم‌انسانی شکل گرفته و بر پایهٔ خردجمعی و تعاطی افکار خبرگان، نخست طی یک سال و نیم، از گذرگاه انجام فاز مطالعاتی و تدوین RFP عبور کرده سپس وارد اجرای طرح‌ها شده است.

این طرح کلان برپایهٔ این منطق شکل گرفت که برای بومی‌سازی و کاربردی‌سازی علوم‌انسانی لازم است سه مقولهٔ مهم به‌صورت متمایز کاویده شوند و نهایتاً از همهٔ طرح‌ها تلفیق صورت گیرد.

1. مبانی و ریشه‌های علوم‌انسانی جدید ارزیابی و نقد شوند. (کارگروه مبانی)

2. قلمرو و فرایند شکل‌گیری و سیر تاریخ ورود و استقرار این رشته‌ها در ایران نظر افکنده شود و نقد گردد. (کارگروه بازشناسی انتقادی و تاریخ)

3. شیوه‌ها و مظاهر کاربست آن‌ها و تعامل این رشته‌ها با جامعهٔ ایران در چرخهٔ ارزیابی و تحلیل قرار گیرد. (کارگروه کاربست)

از گذرگاه این کندوکاوها، اتصال یا عدم پیوند آن با گنجینه‌های میراثی و تناسب یا تغایر احتمالی آن‌ها نسبت به نیازهای جامعهٔ امروز روشن می‌شود. از سوی دیگر، این طرح‌ها با تکیه بر میراث‌های فرهنگ بومی و دینی و با پشتوانۀ بهره‌گیری از مطالعات جهانی و ملّی و به‌صورت شبکهٔ برنامهٔ محصول‎‎‌گرا و هم‌افزایانه شکل‌ یافته‌اند و با رویکرد بین‌رشته‎‎‌ای و با مشارکت محققان توانای پژوهشگاه و صاحب‌نظران سرآمد سطح ملّی تدوین شده‌اند.

امید می‌رود با انجام این طرح‌ها یکی از آرمان‌های انقلاب اسلامی مبنی بر استقلال فکری و رهنمودهای حضرت امام خمینی و مقام معظم رهبری در این باره پی‌جویی شود. طرح‌های اعتلا برای تحقق هدف یادشده با رویکرد ایجاد پیوند میان نظریه و عمل، می‌کوشد تا اثربخشی و سودمندی علوم انسانی را معطوف به پیشرفت کشور مبنی بر مؤلفه‌های بومی‌گرایی متعیّن نماید.

پژوهشگاه علوم‌انسانی و مطالعات فرهنگی در مسیر تحقق بخش‌هایی از اسناد بالادستی و پی‌جویی مأموریت ویژهٔ هیئت‌امنا و با مساعدت سازمان برنامه و بودجه، طرح اعتلا را برای استقرار عینی شبکهٔ نخبگانی علوم انسانی کشور طراحی کرده و به اجرا درآورده است.

پژوهشگاه به فضل الهی در نظر دارد به‌تدریج پس از انتشار مجلدات حاضر در این مرحله و هم‌زمان با متنوع‌سازی نشر محصولات طرح‌ها (از طریق گزارش‌های راهبردی، توصیه‌های سیاسی، گزارش‌های علمی ملی، بسته‌های خدمات تخصصی و مشاوره‌ای، جستارهای علمی و فنی، مقاله‌های علمی \_ پژوهشی، علمی \_ تخصصی، هم‌اندیشی‌های نخبگانی و سخنرانی‌های علمی و...) مابقی نتایج پژوهش‌ها را نیز به‌صورت کتاب آمادهٔ نشر سازد.

اصولاً یکی از شاخص‌های مهم که می‌تواند نشانهٔ توفیق یک نهاد پژوهشی، به‌ویژه در قلمرو علوم‌انسانی باشد، اجرای طرح‌های شاخص، هم‌گرا، مسئله‌مند و ناظر به چالش‌های اجتماعی و اثرگذار در عرصهٔ سیاست‌گذاری‌هاست که بتواند در شرایط کنونی در حقیقت مؤسسهٔ پژوهشی را به جرگهٔ نسل چهارم نهادهای علمی وارد سازد. تعریف و اجرای طرح اعتلا به همین منظور در مسیر تحقق قسمتی از چشم‌انداز و مأموریت روشن پژوهشگاه، مندرج در برنامهٔ توسعهٔ راهبردی آن، به‌شمار می‌آید که برای نخستین بار در تاریخ پژوهشگاه برنامهٔ توسعه تعریف و اجرا شده است و بخشی از دستاوردهای آن کتاب‌های مجموعه طرح‌های اعتلای علوم‌انسانی است.

در فرایند تعریف و اجرای طرح جامع اعتلا، به لطف الهی، فرصت ارتقای کیفیت علمی طرح‌ها و توانمندسازی و تقویت زیرساخت‌ها در پژوهشگاه دوچندان شده است، چنان‌که طی این سال‌ها و به موازات اجرای این طرح کلان، مشارکت بالندهٔ تعداد کثیری از اعضای محترم هیئت‌علمی در اجرای طرح مذکور و رسیدن تولید سرانهٔ علم به رشد بیش از دو برابری و رشد بیش از پنج برابری نقدِ متون دانشگاهی و رشد فزایندهٔ تولید و نشر مقالات و جستارهای انتقادی و انتشار فصل‌نامه‌های با کیفیت پژوهشی، برنده‌شدن سه سال پیاپی در جشنوارهٔ نقد سال و برگزیده‌شدن مکرر در جشنوارهٔ بین‌المللی فارابی و ده‌ها جشنوارهٔ ملی دیگر، صعود بیش از چهارصد پله‌ای پرتال در رده‌بندی جهانی الکسا، تأسیس قطب علمی، ارائهٔ نظریهٔ علوم‌انسانی در سطح ملی و رشد چشمگیر فعالیت‌های حوزهٔ ترویجی‌سازی علم و تحقق شبکهٔ نخبگانی سه‌هزار نفره متشکل از استادان صاحب‌نظر از سراسر کشور، شواهدی از این ظرفیت‌سازی و ارتقای توانمندی به‌شمار می‌آید.

بدیهی است با همهٔ مزیت‌های این مجموعه طرح‌ها و آثار، بخش‌هایی از این کتاب‌ها خالی از خلل و عاری از کاستی نباشد، یقیناً اهل نظر با نقد ناصحانه و راهنمایی‌های راهگشای ایجابی خود پژوهشگاه را برای قوام و مایه‌وری بیشتر این آثار در چاپ‌های بعدی مدد خواهند رساند.

در پایان، ضمن سپاسگزاری به درگاه حق‌تعالی و ابراز مسرّت از پی‌جویی دغدغهٔ استاد زنده‌یاد دکتر صادق آیینه‌وند (ره) در منشور ایشان مبنی بر «اتصال به ریشهٔ انطباق با زمان» یادآور می‌شود این مجموعه مرهون حمایت وزیران محترم جناب دکتر فرجی‌دانا، دکتر فرهادی و دکتر غلامی و اعضای محترم هیئت محترم امنا و سازمان برنامه و بودجه و نمایندگان محترم ذی‌ربط مجلس شورای اسلامی از یک‌سو و اهتمام همهٔ همکاران طرح جامع اعتلا، شامل اعضای محترم شورای پژوهشی پژوهشگاه، کمیتهٔ علمی طرح اعتلا، جانشین رئیس و رئیس دبیرخانهٔ طرح اعتلا، مجریان محترم طرح‌ها، مدیران کارگروه‌‌ها، شورای مشاوران، اعضای محترم کارگروه‌های تخصصی و کلیهٔ محققان و ناظران علمی و داوران طرح‌های پژوهشی وکارشناسان از سوی دیگر است. لذا سزاوار به‌نظر می‌رسد سپاسگزار همهٔ آنان باشیم؛ به‌ویژه جناب آقای دکتر سیدمحمدرضا امیری طهرانی‌زاده‌، سرکار خانم دکتر طاهره کمالی‌زاده، جناب آقای دکتر یحیی فوزی، جناب آقای دکتر علیرضا ملایی توانی، جناب آقای دکتر مهدی معین‌زاده، جناب آقای دکتر عبدالرحمن حسنی‌فر، جناب آقای دکتر حمید تنکابنی، جناب آقای مهندس فرامرز حق‌شناس، جناب آقای دکتر فرهاد زیویار، جناب آقای دکتر عباس خلجی، جناب آقای دکتر عبدالله قنبرلو، جناب آقای دکتر سیدمحمدرحیم ربانی‌زاده، جناب آقای دکتر سیدسجاد علم‌الهدی، جناب آقای دکتر سیدمحسن علوی‌پور، جناب آقای محمدعلی مینایی، جناب آقای بهرنگ ذوالفقاری و تمامی اعضای محترم شورای دبیرخانه و مشاوران و کارشناسان محترم طرح. همچنین باید از جناب آقای دکتر یدالله رفیعی مدیر محترم نشر و همهٔ همکاران گرامی ایشان در انتشارات پژوهشگاه تشکر ‌کنم. اگرچه بزرگان و مفاخر و اعضای معزز هیئت‌علمی فراوان دیگری در بخش‌های گوناگون و در مراحل مختلف مددرسان بودند که ذکر نام این شخصیت‌ها و محققان، که بیش از صد تن را شامل می‌شود، متأسفانه در این مجال اندک میسر نیست.

امید می‌رود به لطف خداوند این حرکت فرخندهٔ پژوهشی و علمی بتواند ضمن تقویت اثربخشی علوم‌انسانی و پیوند پژوهش و اجرا در کشور، راهگشای بهره‌برداری بیشتر از ظرفیت‌های علوم‌انسانی به‌شمار آید و انتشار مجلدات بعدی گزارش‌های طرح اعتلا گامی در مسیر پیشرفت و بالندگی ایران اسلامی باشد.

حسینعلی قبادی

رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

و

رئیس طرح اعتلای علوم‌انسانی معطوف به پیشرفت کشور

مقدمه

طبق نظریۀ اقتصاد خرد آموزش عالی (انتظاری، 1394)، تحصیل در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی و کسب خدمات آموزش عالی سرمایه‌گذاری‌ در «سرمایۀ انسانی پیشرفته» است. افراد طبق علاقۀ خود، برای دستیابی به حداکثر مطلوبیت در دوران زندگی، اقدام به تحصیل در رشتۀ خاصی از دانش در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی می‌کنند. ازاین‌رو، اشتغال کامل، ‌پایدار، اثربخش و ثمربخش دانش‌آموختگان آموزش عالی در نظام اقتصادی هم برای خود آن‌ها هم برای مؤسسات اقتصادی و هم برای توسعۀ اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی فوق‌العاده مهم است. این مهم زمانی حاصل می‌شود که اولاً هماهنگی کامل کمّی و کیفی بین عرضه و تقاضای آموزش عالی در بازار خدمات آموزش عالی در رشته‌های دانش صورت پذیرد؛ ثانیاً تعادل کاملی بین عرضه و تقاضای نیروی کار در بازار کار دانش‌آموختگان رشتۀ یادشده به‌وجود آید و ثالثاً دو بازار خدمات آموزش عالی و نیروی کار دانش‌آموختگان هماهنگ شوند.

دو مسئلۀ نظری و عملی در این رابطه وجود دارد. ازلحاظ نظری، به دلیل زمان‌بر بودن کسب سرمایۀ انسانی و ناهم‌زمان بودن آن با عرضۀ سرمایۀ انسانی در بازار کار، این دو بازار به‌سختی با یکدیگر هماهنگ می‌شوند و دخالت دولت ضروری است. ازلحاظ عملی، که بیشتر از ماهیت دو بازار ناشی می‌شود، متأسفانه به دلیل عدم‌وجود بازخوردهای مناسب از نیازهای اقتصادی (فعالیت‌ها و شغل‌ها) به محتوای رشته‌های تحصیلی و برنامه‌های آموزشی در دانشگاه‌ها و عدم‌توجه دانشگاه‌ها به نیازها در بازار کار، این هماهنگی (به‌خصوص در اقتصاد ایران) به‌طور خودکار حاصل نمی‌شود. دولت نیز دخالت شایسته‌ای نکرده و نمی‌کند. بنابراین، علاوه‌بر وجود بیکاری بالا در بین دانش‌آموختگان، عدم‌تطبیق زیادی بین مهارت دانش‌آموختگان و مهارت موردنیاز فعالیت‌ها و شغل‌های مربوط به‌وجود آمده است.

یکی از این رشته‌های مهم و کلیدی دانش در نظام آموزش عالی ایران رشتۀ ادبیات فارسی است. در این رشته نیز عدم‌تعادل، عدم‌هماهنگی و عدم‌تطبیق در سرمایۀ انسانی وجود دارد. به‌نظر می‌رسد در ایران نه دانشگاه‌ها (به‌عنوان عرضه‌کنندگان آموزش عالی)، نه دانش‌آموختگان رشتۀ ادبیات فارسی (به‌عنوان تقاضاکنندگان آموزش عالی و عرضه‌کنندگان سرمایۀ انسانی و نیروی کار)، نه کارفرمایان (به‌عنوان تقاضاکنندگان سرمایۀ انسانی و نیروی کار) و نه سیاست‌گذاران اقتصاد آموزش عالی اطلاعات، دانش و آگاهی لازم از کمّیت و کیفت عرضه و تقاضای آموزش عالی و نیروی کار ادبیات فارسی را ندارند و اساساً توجهی به آن نمی‌کنند.

ازاین‌رو، ایجاد هماهنگی میان عرضه و تقاضای آموزش عالی در رشتۀ ادبیات فارسی، ایجاد تعادل در عرضه و تقاضای نیروی کار دانش‌آموختگان ادبیات فارسی و هماهنگی بین دو بازار آموزش عالی و بازار کار دانش‌آموختگان در درجۀ نخست مستلزم آزادسازی نظام اقتصادی و سپس تولید و انباشت اطلاعات و دانش در این رابطه است.

بنابراین، هدف کلی کتاب حاضر تحلیل سرمایۀ انسانی اشتغال‌پذیری است که با سه هدف جزئی دنبال می‌شود: 1. بررسی و توسعۀ مبانی نظریۀ سرمایۀ انسانی؛ 2. بررسی و تحلیل کمّیت و کیفیت عرضه و تقاضای آموزش عالی (محتویات برنامه‌های درسی، آموزشی و مبانی فکری رشتۀ ادبیات فارسی)؛ 3. بررسی و تحلیل کمّیت و کیفیت عرضه و تقاضای نیروی انسانی ادبیات فارسی و 4. تحلیل هماهنگی دو بازار خدمات آموزش عالی و بازار کار دانش‌آموختگان رشتۀ ادبیات فارسی است.

برای پیگیری اهداف یادشده از داده‌های میدانی و اسنادی در چهارچوب یک روش تحقیق آمیخته (کیفی و کمّی) استفاده شده است. از تحقیق کیفی برای استخراج و ارزیابی مهارت‌های اشتغال‌پذیری در رشتۀ ادبیات فارسی استفاده کردیم. از تحقیق کمّی نیز برای تحلیل محتوای سرمایۀ انسانی و تعییین سطح عرضه و تقاضای سرمایۀ انسانی و تعیین شکاف آن‌ها در این رشته بهره جستیم.

مطالب کتاب در سه بخش و نه فصل سازمان یافته است. فصول اول و آخر فرابخشی هستند. در فصل مباحث طرح‌نامۀ پژوهش ارائه شده است و فصل آخر نیز به جمع‌بندی، نتیجه‌گیری و پیشنهادها می‌پردازد. بخش اول شامل دو فصل دوم و سوم است. در فصل دوم، مبانی نظری سرمایۀ انسانی بررسی، مفهوم سرمایۀ انسانی بازتعریف و مؤلفه‌های بنیادی آن شناسایی شده‌اند. در فصل سوم نیز مفاهیم اشتغال‌پذیری و «سرمایۀ انسانی اشتغال‌پذیری» به‌عنوان نوع خاصی از سرمایۀ انسانی پیشرفته تعریف شده و از جنبه‌ها و ابعاد مختلف تحلیل شده‌اند. بخش دوم مشتمل بر سه فصل است. در این بخش، بازار خدمات آموزش عالی در رشتۀ ادبیات فارسی، بازار نیروی کار دانش‌آموختگان رشتۀ ادبیات فارسی و تعامل این دو بازار به ترتیب در سه فصل بعدی تحلیل شده است. بخش سوم، که فصول هفتم و هشتم کتاب را دربر می‌گیرد، به تحلیل‌های تجربی سرمایۀ انسانی دانش‌آموختگان ادبیات فارسی و مقایسۀ عرضه و تقاضای سرمایۀ انسانی اشتغال‌پذیری می‌پردازد. در فصل هفتم، رابطۀ ساختار مؤلفۀ سرمایۀ انسانی دانش‌آموختگان رشتۀ ادبیات فارسی تحلیل شده است. در فصل هشتم، عرضه و تقاضای مؤلفه‌های متنوع سرمایۀ انسانی دانش‌آموختگان رشتۀ ادبیات فارسی بررسی و مقایسه شده و شکاف بین مؤلفه‌های مختلف سرمایۀ انسانی دانش‌آموختگان ادبیات فارسی تعیین شده است.

در این کتاب، رشتۀ ادبیات فارسی به‌طور عام و به‌عنوان گروه تحصیلی درنظر گرفته شده است که شامل تمام سطوح و گرایش‌های زبان و ادبیات فارسی می‌شود. مطالب کتاب به ترتیب می‌تواند برای سیاست‌گذاران اشتغال و توسعۀ سرمایۀ انسانی، محققان اقتصادی و دانشجویان علوم اقتصادی مفید باشد.

یعقوب انتظاری

بهمن 1399

فصل اول

کلیات

1. 1 مقدمه

با توجه به این‌که کتاب حاضر یک کتاب پژوهشی است، در این فصل مؤلفه‌های متداول و متنوع یک کار علمی و فعالیت پژوهشی به ترتیب مطرح می‌شوند. بنابراین، در ادامه، ابتدا مسئلۀ بیکاری دانش‌آموختگان رشتۀ ادبیات فارسی و اشتغال آن‌ها در شغل‌ها و فعالیت‌های مناسب بیان می‌شود، سپس به سؤالات و اهداف پژوهش اشاره می‌شود و درنهایت روش و پیشنیۀ پژوهش ارائه می‌گردد.

1. 2 مسئلۀ اشتغال دانش‌آموختگان آموزش عالی

با توجه به هدف کتاب، در اینجا مسئلۀ اشتغال دانش‌آموختگان آموزش عالی به‌طور عام و خاص دانش‌آموختگان رشتۀ ادبیات فارسی مطرح می‌شود.

1. 1. 2 مسئلۀ عام اشتغال دانش‌آموختگان آموزش عالی

داده‌های نمونه‌گیری مرکز آمار ایران از نیروی کار[[1]](#footnote-1) در سال 1397نشان می‌دهد که در ایران 3/20 درصد از جمعیت فعال با مدرک کاردانی، 5/25 درصد جمعیت فعال با مدرک کارشناسی و 1/18 درصد جمعیت فعال با مدرک کارشناسی ارشد بیکار هستند. علاوه بر آن، عدم‌تطبیق رشته، یا فعالیت و رشته با شغل در بین دانش‌آموختگان آموزش عالی بسیار بالاست. به‌عنوان مثال، تنها 17 درصد دانش‌آموختگان رشتۀ کشاورزی در فعالیت‌های کشاورزی شاغل بودند. در مقابل، تنها 14 درصد از شاغلان بخش کشاورزی با مدرک عالی دانش‌آموختۀ رشتۀ کشاورزی بودند و حدود 33 درصد از دانش‌آموختگان آموزش عالی در شغل‌هایی با دانش‌بری پایین شاغل بودند. این در حالی است که 31 درصد از شاغلان شغل‌های دانش‌بر فاقد آموزش عالی بودند.

داده‌های بین‌المللی[[2]](#footnote-2) در سال 2016 (1395) نیز نشان می‌دهند که نرخ بیکاری نیروی انسانی با آموزش پیشرفته در ایران حدود 31 درصد، با آموزش ابتدایی 3/8 درصد و آموزش متوسطه 23درصد بود. درحالی‌که این شاخص برای کشورهای پیشرفته پایین‌تر از نرخ طبیعی بیکاری (6 درصد) است. متوسط شاخص یاد‌شده برای کشورهای عضو سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه حدود 8.4 درصد بود.

جدول 1. 1: نرخ بیکاری نیروی انسانی در بعضی از کشورها بر حسب آموزش در 2016

| کشور | نرخ بیکاری با آموزش پایه | نرخ بیکاری با آموزش متوسطه | نرخ بیکاری با آموزش پیشرفته | نرخ بیکاری زنان با آموزش پیشرفته | نرخ بیکاری مردان با آموزش پیشرفته |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| فنلاند | 80/20 | 20/9 | 70/5 | 00/6 | 80/5 |
| فرانسه | 00/17 | 00/11 | 80/5 | 50/5 | 70/5 |
| آلمان | 70/8 | 30/3 | 30/2 | 10/2 | 20/2 |
| ژاپن | ... | 60/3 | 60/2 | 80/2 | 70/2 |
| ایران | 30/8 | 00/23 | 00/31 | 80/33 | 00/20 |
| کره جنوبی | 90/1 | 00/4 | 00/4 | 30/3 | 60/3 |
| ترکیه | 20/11 | 70/20 | 60/16 | 60/8 | 80/11 |
| انگلستان | 60/7 | 30/5 | 10/3 | 80/2 | 90/2 |
| متوسط اعضای OECD | ... | 69/12 | 37/8 | 45/6 | 10/7 |

منبع: بانک اطلاعاتی بانک جهانی

داده‌ها و اطلاعات بالا نشان می‌دهد که معیار دوم در نظام اشتغال دانش‌آموختگان آموزش عالی مصداق ندارد.

در شرایط فعلی اقتصاد کشور، عدم‌تعادل عرضه و تقاضا در بازار کار، چه به صورت مازاد نیروی کار و چه به صورت کمبود تقاضای نیروی کار، به‌وضوح قابل‌مشاهده است. در این میان، دانش‌آموختگان جوان دانشگاهی نیز، با وجود سرمایه‌گذاری‌ها و هزینه‌های قابل‌ملاحظه‌ای که برای رشد و ارتقای سطح دانش آن‌ها در قالب آموزش دانشگاهی انجام گرفته است، از امکان نسبتاً کمی برای یافتن مشاغل مناسب و مرتبط با ویژگی‌ها و شرایط خوب برخوردارند.

یادگیری، خلاقیت، جذب دانش، اشاعۀ دانش، نوآوری و کارآفرینی به‌مثابۀ نیروهای محرکۀ تکامل و توسعه توسط نیروی انسانی متخصص صورت می‌گیرند. پایین بودن این فعالیت‌ها در هر کشور حکایت از این دارد که نیروی انسانی متخصص در آن کشور از اثربخشی لازم برخوردار نیست. بررسی‌ نمایه‌های جهانی نشان می‌دهد که ایران در میان 131 کشور جهان ازنظر جذب دانش، اشاعۀ دانش، خلاقیت و نوآوری به ترتیب رتبه‌های 99، 117، 114 و 100 را دارد (INSEAD and WIPO, 2020). این مسائل باعث شده است بهره‌وری نیروی کار در سطح بسیار نازل باقی بماند. بررسی نماگرهای بین‌المللی نشان می‌دهد که ایران ازنظر بهره‌وری نیروی کار در میان 148 کشور جهان رتبۀ 130 را دارد (WEF, 2017). بنابراین، مسئلۀ اصلی اقتصاد ایران عدم‌اثربخشی دانش‌آموختگان آموزش عالی است.

مجریان و سیاست‌گذاران در ایران دیدگاه‌هایی متضاد در این رابطه دارند. از یک طرف، مجریان و سیاست‌گذاران اقتصادی و صنعتی این مسئله را به عرضۀ بیش از حد، نامناسب و بی‌کیفیت سرمایۀ انسانی پیشرفته در ایران نسبت می‌دهند. در مقابل، مجریان و سیاست‌گذاران آموزش عالی این مسئله را ناشی از پایین بودن تقاضای اقتصاد برای سرمایۀ انسانی پیشرفته به دلیل پایین بودن سهم صنایع دانش‌بنیان از کل اقتصاد می‌دانند. بحث‌های هر دو طرف می‌تواند حقیقت داشته باشد. چون در عصر حاضر، که به عصر دانایی مشهور است، از یک طرف از دانش‌آموختگان آموزش عالی انتظار می‌رود، نه‌تنها خود در شغل‌ها و فعالیت‌های مرتبط رشتۀ تحصیلی خود مشغول به کار شوند، بلکه برای افرادی با تحصیلات پایین‌تر نیز شغل ایجاد کنند. از طرف دیگر از بخش‌های مختلف اقتصادی انتظار می‌رود، با سرمایه‌گذاری‌ در فعالیت‌های متنوع اقتصادی، تقاضای خود برای نیروی کار دانش‌آموختگان را افزایش دهند. اما به‌نظر می‌رسد این وضعیت صرفاً به این عوامل محدود نمی‌شود. با نگاه دقیق‌تر و وسیع‌تر می‌توان به عوامل تعیین‌کنندۀ بیشتری از اشتغال دانش‌آموختگان آموزش عالی دست یافت.

به دلیل این مسائل، دانش‌آموختگان آموزش عالی به‌طور عام اثربخشی لازم را ندارند و کمک در خور توجه و شایسته‌ای به توسعۀ اقتصادی و اجتماعی نمی‌کنند. حال این سؤالات اساسی و درعین‌حال ساده مطرح می‌شوند: 1. چرا دانش‌آموختگان آموزش عالی در ایران قابلیت اشتغال نداردو چگونه می‌توان قابلیت اشتغال دانش‌آموختگان آموزش عالی در ایران را توسعه داد؟

1. 2. 2 مسئلۀ خاص اشتغال دانش‌آموختگان ادبیات فارسی

دانش‌آموختگان رشتۀ ادبیات فارسی عمدتاً در بخش عمومی، بخش آموزش، رسانه‌ها، صنایع فرهنگی، صنایع خلاقیت و فعالیت‌های مربوط به ترویج فرهنگ و تمدن ایران شاغل می‌شوند. آن‌ها پس از فراغت از تحصیل در مقطع کارشناسی می‌توانند وظایف و مسئولیت‌های مختلفی را در بخش‌های فرهنگی و اجرایی جامعه عهده‌دار شوند، از جمله خدمت در کسوت معلمی در مراکز آموزشی، قبول مسئولیت در مراکزی همچون بخشداری، فرمانداری، شهرداری و استانداری به‌عنوان کارشناس فرهنگی یا در صورت داشتن شرایط لازم در سِمت بخشدار، فرماندار و همچنین به‌منزلۀ نویسنده، ویراستار، ‌فعالیت‌ در صدا و سیما (در مرکز تولید)، چاپ و نشر، ثبت احوال و اسناد، اشتغال در کتابخانه‌های عمومی و خصوصی، اشتغال در مراکز تحقیقاتی و پژوهشی و غیره. دانش‌آموختگان رشتۀ ادبیات فارسی می‌توانند در صدا و سیما، علاوه‌بر تهیۀ برنامه‌های ادبی با کسب یک‌سری توانایی‌های موردنیاز، گوینده و مجری شوند. همچنین می‌توانند در مراکز چاپ و نشر کتاب به‌عنوان ویراستار و ناظر ادبی در سیر چاپ کتاب حضور داشته باشند.

اشتغال ‌پایدار، اثربخش و ثمربخش دانش‌آموختگان رشتۀ ادبیات فارسی در نظام اقتصادی در فعالیت‌های یادشده هم برای خود آن‌ها هم برای توسعۀ فعالیت‌ها و سازمان‌های علمی و فرهنگی و هم برای توسعۀ کشور فوق‌العاده مهم است. این مهم زمانی حاصل می‌شود که هماهنگی کامل کمّی و کیفی بین عرضه و تقاضای آموزش عالی از یک طرف و بین عرضه و تقاضای نیروی کار از طرف دیگر وجود داشته باشد. متأسفانه، به دلیل عدم‌وجود بازخوردهای مناسب از نیازهای فعالیت‌ها و شغل‌ها به محتوای رشته‌های تحصیلی و برنامه‌های آموزشی در دانشگاه‌ها، این هماهنگی به‌طور خودکار حاصل نمی‌شود. دولت نیز دخالت شایسته‌ای نکرده و نمی‌کند. بنابراین، علاوه‌بر وجود بیکاری بالا در بین دانش‌آموختگان رشتۀ ادبیات فارسی، عدم‌تطبیق بالا بین سرمایۀ انسانی دانش‌آموختگان ادبیات فارسی و سرمایۀ انسانی موردنیاز برای انجام فعالیت‌ها و شغل‌های مربوطه به‌وجود آمده‌ است (شکل1. 1).

1. . وب‌گاه مرکز آمار ایران، جدول‌های طرح آمارگیری از نیروی کار سال 1397. [↑](#footnote-ref-1)
2. . وب‌گاه بانک جهانی، بانک اطلاعاتی آموزش و نیروی انسانی 2018. [↑](#footnote-ref-2)